

گزارشی از ناگفته‌های یک بازداشت

ماجرای دستگیری سپهد بختیار و دکتر زندنیا در بیروت

صفاءالدین تبرائیان

در پانزدهم اردیبهشت سال ۱۳۴۷ ش / پنجم مه ۱۹۶۸م خبرگزاریها گزارش دادند که سپهد تیمور بختیار و دکتر امیرشاپور زندنیا به علت قاچاق اسلحه در بیروت بازداشت شدند.^۱ این دو نفر چندی بعد، در ۱۵ مرداد ماه همان سال، در دادگاه نظامی لبنان محاکمه و محکوم شدند.

درباره این رخداد، مطبوعات کشور به علت سانسور شدید، آگاهیهای خبری مناسبی را به مردم ارائه ندادند و به همین دلیل تاکنون این واقعه در زمره حوادث مبهم و تاریک تاریخ معاصر ایران قرار گرفته است. مجله‌الشراع^۲ در شماره ۷۸۶ مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۹۷م / ۲ تیر ۱۳۷۶ درباره این رویداد اطلاعات نو و سودمندی به دست می‌دهد که در روشن ساختن زوایای تاریک آن حائز اهمیت است. متن زیر برگردان فارسی این گزارش از عربی است که با توجه به اهمیت ناگفته‌های مهم این گزارش، به خوانندگان و علاقه‌مندان مطالعات و پژوهشهای تاریخ معاصر ایران تقدیم می‌شود.^۳

□ □ □

در سال ۱۹۶۸ مأموران گمرک در سالن مسافران بندر بیروت به یک مسافر ایرانی به نام امیر زندنیا^۴ ظنین شدند. دلیل شک آنان این بود که شاسی جیب لندروور او کمی

۱. باقر عاقلی. روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی. تهران، نشر گفتار، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۱۶.
۲. مجله الشراع چاپ سوریه می‌باشد و تمایل آن به سمت سیاستهای این کشور است.
۳. عنوان مقاله از این قرار است: «الجنرال بختیار، فضیحة سیاسیة و بطولة جمرکیة»، ژنرال بختیار، افتضاح سیاسی و ماجراجویی در گمرک؛ نویسنده آن نامشخص است.
۴. نسبت نیاکان او به کریمخان زند باز می‌گردد. پدرش جلال و مادرش ملوک سپهری بود. امیر شاپور در

بلندتر از اندازه معمول بود. مأموران ناگزیر به واریسی دقیق خودرو شدند. پس از برداشتن کف اتومبیل، یک چمدان که در آن تفنگ دوربین‌داری - از همان نوع که پنج سال پیش جان کندی، رئیس‌جمهور پیشین امریکا را مورد سوء قصد قرار داده و به قتل رسانده بود - چند دستگاه گیرنده و وسیله جاسوسی یافتند که در کف اتومبیل جاسازی شده بود.

زندنی در پاسخ به پرسشهای بازپرسان در جریان بازجویی اظهار داشت که این تفنگ متعلق به ژنرال تیمور بختیار^۵ - یکی از خویشاوندان ثریا بختیار،^۶ همسر مطلقه شاه - می‌باشد. یادآور می‌شود که ژنرال بختیار مدتی است با رژیم وقت ایران اختلاف پیدا کرده و از کشور گریخته است تا به مخالفت و مبارزه با شاه بر سر کسب قدرت بپردازد. زندنی در جریان بازجوییهای اولیه یادآور شد که طبق برنامه از پیش تعیین شده قرار است تیمور بختیار، به منظور تحویل خودرو جیب لندروور و چمدان حاوی تفنگ، دستگاههای گیرنده و ابزارهای استراق سمع، بعد از ظهر آن روز از سویس به فرودگاه لبنان بیاید و از راه زمینی عازم عراق شود تا در آنجا به مبارزه خود با حاکمیت شاهنشاهی بپردازد.

→ شهریور ۱۳۰۶ در کرمانشاه متولد شد. در جوانی با دکتر داود منشی‌زاده آشنا شد و به اتفاق جمعی، و از جمله داریوش همایون، به عضویت حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) درآمد. وی دارای دکترای اقتصاد بود. زندنی از هواداران تیمور بختیار بود و پس از موافقت با درخواست عفوش از سوی محمدرضا پهلوی که با پدرمیان میهن حیات غیبی، همسر دکتر تقی فلاح، مرد با نفوذ معاملات نفتی ایران، که دخترخاله زندنی بود، به ایران آمد و در مشاغلی چون شرکت ملی نفت، سازمان برق، اوپک، وکالت دادگستری و تدریس در دانشگاه سرگرم کار بود. وی مدتی نیز به کار مطبوعاتی اشتغال داشت، و به عضویت حزب رستاخیز نیز درآمد. زندنی دارای تألیفات و آثار ترجمه‌ای متعددی است. وی در اواخر سال ۱۳۷۶ در سن ۷۰ سالگی در تهران درگذشت.

۵. از افسرانی است که بلافاصله پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از سرهنگی به سرتیپی ترفیع درجه یافت و در مهرماه ۱۳۳۵ به سرلشگری نایل آمد. در ۱۵ فروردین ۱۳۳۶ از سوی دکتر اقبال، نخست‌وزیر به عنوان معاون نخست‌وزیر و رئیس سازمان امنیت برگزیده شد. وی در یکم مهرماه ۱۳۳۹ سپهبد شد. بختیار فردی قسی‌القلب و تشنه قدرت بود که با زدوبند با تجار به جمع‌آوری اموال فراوان پرداخته بود. بختیار در نیمه دوم سال ۱۳۳۹ در جریان سفرش به امریکا ملاقاتهای خاص با مسئولان امریکایی انجام داد. شاه پس از دریافت گزارشهایی در خصوص این دیدارها، در ۲۴ اسفند همان سال وی را از ریاست سازمان امنیت برکنار کرد، بختیار کمتر از یک سال بعد یعنی در ۵ بهمن ۱۳۴۰ از ایران به رم رفت و در فرودگاه ضمن اظهار اینکه در ایران آزادی نیست، اعلام کرد با اصلاحات ارضی مخالف است. مدتی بعد کلیه داراییهای وی در تهران توقیف شد.

۶. پدران تیمور بختیار و ثریا بختیار، پسر عموی یکدیگر به شمار می‌آمدند.

پس از پایان بازجویی اولیه از زندینا، مأموران انتظامی مستقر در گمرک، بلافاصله عازم فرودگاه بین‌المللی بیروت شدند و به انتظار هواپیمایی نشستند که قرار بود از سویس در فرودگاه به زمین نشیند. پس از فرود هواپیما، هنگامی که بختیار وارد سالن مسافران شد مأموران او را دستگیر کردند، و در بازرسی چمدانهای بختیار یک هفت تیر، شماری فشنگ و چند وسیله جاسوسی بسیار دقیق و کوچک یافتند. افزون بر این، کیفی پر از پول نقد به مقدار پنج میلیون دلار امریکایی در یکی از چمدانهای وی به دست آمد که تعجب فزونی را برانگیخت. با توجه به اینکه اظهارات زندینا موجب لورفتن بختیار شده بود و در چمدانهای وی نیز موارد سؤال برانگیز پیدا شده بود، او را به سالن مسافران بندر بیروت انتقال دادند تا ضمن تکمیل پرونده و ادامه بازجویی، با خودرو جیب لندروور و وسایل کشف شده روبه‌رو کنند.

سپهد بختیار در گمرک بندر بیروت اعتراف کرد که سلاح و وسایل کشف شده متعلق به اوست و قصدش آن بوده که آنها را از راه لبنان به عراق و سپس ایران منتقل کند.^۷ بختیار از مأموران می‌خواهد تا اجازه دهند با شیخ نجیب علم‌الدین، رئیس وقت شرکت هواپیمایی «الشرق الأوسط»^۸ تماس بگیرد تا پس از اجازه کردن یک هواپیمای خصوصی «چلدتر»، بی‌درنگ بیروت را به مقصد بغداد ترک کند.

بختیار به منظور عملی کردن تقاضای خود رشوه‌های کلانی به مأموران پیشنهاد کرد اما آنها از پذیرفتن درخواست او سرباز زدند. البته اصرارهای بختیار قطع نشد و از آنها خواست تا با شارل حلو^۹، رئیس جمهور وقت لبنان، و کامیل شمعون^{۱۰}، رئیس جمهور سابق، تماس بگیرد که این درخواستهای وی نیز با پاسخ منفی مأموران روبه‌رو شد. به

۷. بنا به نقل دکتر زندینا، بختیار در سفر به امریکا قصد خود در خصوص براندازی رژیم شاه و اعلام جمهوری را در دیدار با مقامات امریکایی در میان نهاده بود و تدارک تفنگ، دوربین‌دار و وسایل جاسوسی دقیق و انتقال آن از طریق عراق به ایران به منظور ترور محمدرضا پهلوی بوده است.

۸. شرکت طیران الشرق الأوسط (شرکت هواپیمایی خاورمیانه)، از سرشناسترین شرکتهای هواپیمایی در جهان عرب به شمار می‌آید.

۹. وی در سال ۱۹۱۳م متولد شد. در رشته حقوق در فرانسه تحصیل کرد و از مؤسسان حزب کاتب لبنان به شمار می‌آید. حلو، صرف‌نظر از اینکه از سیاستمداران برجسته لبنان بشمار می‌آمد که به‌گفت و گو و مذاکره علاقه فراوان داشت، وکیل و روزنامه‌نگار نیز بود. حلوا از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۰ رئیس جمهور لبنان بود و از غریزده‌ترین رؤسای جمهور این کشور محسوب می‌شود.

۱۰. کامیل شمعون در ۳ آوریل ۱۹۰۰م در روستای دیرقمر در منطقه شوف جبل لبنان به دنیا آمد. تحصیلات خود را در بیروت گذراند. طی سالهای ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۸ رئیس جمهور لبنان بود. پس از آن رهبری حزب راست‌گرای لیبرال ملی را به عهده گرفت.



تیمور بختیار و امیرشاپور زندانیا

دنبال پایان یافتن بازجوییهای اولیه و تکمیل صورتجلسه بازپرسی، بختیار را دست بسته به دادستانی نظامی تحویل دادند.

بر پژوهندگان پوشیده نیست که آن هنگام به دلیل خودداری دولت لبنان از تسلیم این ژنرال مخالف رژیم شاه، روابط دیپلماتیک دو کشور لبنان و ایران قطع شد.^{۱۱} بختیار چندی بعد با دست خالی از لبنان رفت.^{۱۲} یکی از همراهانش که چمدانهای وی را تا بالای پلکان هواپیما برده بود، نقل می‌کرد که بختیار حتی پول پرداخت دستمزد به باربرها را نیز نداشت.

در پی آن، ماجرای رسوایی بختیار که در آن پای شماری از سیاستمداران بزرگ لبنان به میان بود، مدتها در این کشور بر سر زبانها و نقل محافل بود.



۱۱. محمدرضا پهلوی از بدو دستگیری سپهبد بختیار خواهان تحویل وی به دولت ایران بود اما دولت لبنان چند ماه بعد، یعنی در ۱۵ مرداد ۱۳۴۷، در دادگاه نظامی آن کشور بختیار را به ۹ ماه زندان محکوم کرد. دولت لبنان در ۱۱ فروردین ۱۳۴۸ رسماً مخالفت خود با تقاضای استرداد بختیار به ایران را اعلام کرد. روز بعد بنا به دستور شاه اعلام شد: «دولت شاهنشاهی ایران بعد از یک سال سکوت در قبال اقدامات غیردوستانه دولت لبنان، روابط سیاسی خود را با این دولت قطع کرد». نک، گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی: نشریه کتابخانه پهلوی، ج ۳، ص ۲۲۹۷.

۱۲. در پی روی کار آمدن بعثتها در عراق، روز دوم اردیبهشت ۱۳۴۸ از سوی دولت عراق اعلام شد که به سپهبد بختیار گذرنامه عراقی داده شده است. بختیار از زندان آزاد شد و به عراق رفت اما چند ماه بعد یعنی در ۳۱ شهریور ۱۳۴۸ بختیار از سوی دادگاه ارتش غیباً محکوم به اعدام شد. در فاصله کمتر از یک سال یعنی در ۳۱ مرداد ۱۳۴۹ بختیار در شکارگاهی اطراف بغداد توسط یک عضو ساواک با شلیک پنج گلوله کشته شد. قاتل وی روز بعد در حال گریز از عراق در نزدیکی مرز ایران در باتلاقی دستگیر و پس از محاکمه تیرباران شد.